

## ایجاد «خمینیون آذربایجان» در پی انقلاب اسلامی/ایران را دوست داریم چون مقابل آمریکا ایستاده است



محمداف از فعالان فرهنگی کشور آذربایجان است. او از خفقان رسانه‌ای در کشورش می‌گوید تا جایی که همه خیال می‌کردند این ایران بوده که به عراق تجاوز کرده است. شکل‌گیری «خمینیون» در آذربایجان اولین ثمره انقلاب اسلامی بوده است.

به گزارش آران نیوز، این جمله تاریخی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران مبنی بر این‌که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» بیش از پیش بر باور جهانیان در راستای مبارزه با ظلم و استکبار می‌افزاید، تا آن هنگام که طبق وعده خداوند تعالی شاهد پیروزی و حکمرانی مستضعفین باشیم. در این میان گفته‌ها و تجربیات فرزندان غیرایرانی انقلاب اسلامی ایران و «روح‌الله(ره)» مهر تأییدی بر این ادعاست، آنان که وقتی نام امام راحل(ره) را بر لب می‌آورند، اشک در چشمانشان جمع می‌شود و بغض گلویشان، مانع از صحبت‌هایشان می‌شود.

یکی از این فرزندان روح‌الله(ره)، اورخان محمداف از فعالان فرهنگی و دانش‌پژوه علوم قرآن و حدیث است. او اصالتاً آذربایجانی است اما طوری از انقلاب ایران حرف می‌زند که انگار در تمام لحظات آن همراه مردم انقلابی ایران بوده است، از آن جالب‌تر نگرانی و احساس مسئولیتش در قبال انقلاب اسلامی است.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشور آذربایجان، محور صحبت‌های محمداف با خبرنگار تسنیم است. متن صحبت‌های این فعال فرهنگی در ادامه منتشر می‌شود.

گفت می‌خواهد مقابل آمریکا و اسرائیل بایستد؛ همان‌جا جذب شخصیت امام خمینی شدم

من اورخان محمداف متولد جمهوری آذربایجان هستم. بعد از اتمام مدرسه در روسیه به تحصیلات دانشگاهی مشغول بودم که همان‌جا با تفکر انقلاب اسلامی آشنا شدم. صدای انقلاب به روسیه رسید و یک چیزهایی در مورد امام(ره) شنیدم مبنی بر اینکه خمینی(ره) جلوی اسرائیل و آمریکا ایستاده است، با این حرف‌ها تصور از ایشان شکل گرفت. در ادامه شخصیت حضرت آقا مرا جذب کرد و در اینترنت نیز مطالبی راجع به انقلاب اسلامی ایران خواندم. لبنانی‌ها را ملاقات و در جلسات آن‌ها شرکت کردم و بالاخره به ایران سفر کردم. در زادگاه بنده تقریباً هیچ فعالیتی در راستای آشنایی مردم آذربایجان با ایران انجام نمی‌شد و تصور ما درباره ایران خوب نبود چون ایران در آذربایجان کار فرهنگی را به‌صورت صحیح انجام نمی‌داد.

بعد از فروپاشی شوروی، اسرائیل مرکز اخبار و ترکیه دانشگاه‌های آذربایجان را گرفتند اما ایران سراغ بازارمان آمد!

وقتی اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید، مردم مسلمان آذربایجان مهر و محبت ایرانی‌ها را داشتند اما اسرائیلی‌ها سریع مرکز اخبار را در باکو تأسیس کردند و به حکومت آن زمان که اوضاع خوبی هم نداشت مقداری پول دادند و اخبار را به دست گرفتند. ترک‌ها هم آمدند همه دانشگاه‌ها را به دست گرفتند اما ایرانی‌ها فقط بازار را به دست گرفتند. می‌دانید که مرام و فرهنگ بازاری‌ها چطور است، وقتی رفتار و سلوک‌شان را دیدیم از ایران متنفر شدیم. در دانشگاه جلسات تشکیل دادیم مبنی بر اینکه ایران چطور اقتصاد آذربایجان را بر باد می‌دهد، از ایران بدمان می‌آید. از سوی دیگر وقتی اسرائیل اداره اخبار را به دست گرفت ایران را یک کشوری معرفی می‌کرد که می‌خواهد کشور آذربایجان را تسخیر کند.

اشخاصی هم بودند که به این تبلیغات دامن می‌زدند و متأسفانه با احساسات مردم بازی می‌کردند.

روستای ناردران در آذربایجان تبدیل به قلب انقلاب شد

ما روستایی داریم به‌نام ناردران که آرامگاه یکی از خواهرهای امام رضا (علیه السلام) در آنجا است. چند تن شهید هم داده و معروف شده است. شخصی از یمن به باکو آمد و تعریف کرده بود که در ایران یک نفر با تأسی به اهل‌بیت (علیهم السلام) قیام کرده است. چند نفر این را شنیدند و شروع به تبلیغ افکار امام خمینی(ره) در روستای ناردران کردند. این روستا بعداً تبدیل به قلب انقلابیون شد. آنجا زنان به‌صورت محجبه و با چادر رفت‌وآمد می‌کردند.

علی اکرام علی‌اف رهبر خمینیون آذربایجان

حاج علی اکرام علی‌اف کسی است که حدود 15 سال از عمرش را در زندان سپری کرد به‌خاطر اینکه مبلغ انقلاب و طرفدار امام(ره) بود. به او و طرفدارانش «خمینیون» می‌گفتند البته خودشان هم می‌گفتند که خمینیون هستیم. حاج علی اکرام خیلی با اخلاص عمل می‌کرد، در دانشگاه تحصیل کرده بود و طلبه حوزه نبود اما متدین و انقلابی بود.

علی اکرام علی‌اف رهبر اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان

خودش نقل کرد: «در جنگ ایران و عراق نشسته بودم و رادیو گوش می‌کردم، شنیدم به سربازان ایران لباس گرم نمی‌رسد. خیلی گریه کردم اما دلم آرام نگرفت. با آنکه زمستان بود، موکت را کنار زدم و روی سنگ‌های سرد خوابیدم تا کمی آرام شدم.» فکر می‌کنم پدر جریان شیعی در آذربایجان همین حاج علی اکرام است.

در فضای بسته آذربایجان تصور کردیم که ایران به عراق تجاوز کرده است

زمان جنگ تحمیلی اکثر رسانه‌ها برای شوروی بود و چیز زیادی از رخ‌دادهای جنگ نمی‌گفتند، حتی این‌طور نشان می‌دادند که ایران به عراق تجاوز کرده است و تصور ما هم همین بود چون هیچ رابطه‌ای با خارج از کشورمان نداشتیم، اصلاً اگر کسی قصد داشت به خارج از کشور مسافرت کند، تقریباً غیرممکن بود. یک محیط خیلی بسته بود و همین‌طور هم می‌خواستند. من یک کتاب راجع به جنگ‌های سری مخفی شوروی دیدم که شوروی حدود چند هزار نیرو به عراق اعزام کرده است، و هیچ جنگی نبوده که عراق بدون مشورت با ژنرال‌های روسیه آن را شروع کرده باشد! یک تحلیلی داده بود که ما چرا در افغانستان وارد شدیم، در آن کتاب علت فروپاشی شوروی را انقلاب خمینی(ره) اعلام کرده بود و نوشته بود که «ما به افغانستان رفتیم تا از انقلاب جلوگیری کنیم».

پدر بزرگ همیشه دلش با ایران بود و برای ایران دعا می‌کرد، علتش را نمی‌فهمیدم چون گمان می‌کردم ایران تجاوز کرده است. پدر بزرگم هم نمی‌توانست توضیح بدهد اما نسبت به ایران حب و رغبت داشت.

فکر کنم در سال 78 شهید موسی صدر به باکو آمده بود ولی بازتاب نداشت و سال‌ها بعد یک نماینده از دفتر آقا آمد و فعالیت را شروع کرد ولی اولین جرقه را حاج علی اکرام زد. ایشان گفته بودند بعضی افراد از ایران به‌نام زیارت می‌آمدند و وقایع ایران را از آنها جویا می‌شدم.

اوضاع ایران را آن‌قدر بد نشان دادند که تصمیم گرفتم یک جفت پوتین سربازی‌ام را به ارتش ایران هدیه کنم

زمانی که در روسیه بودم این طور در مورد ایران تبلیغ شده بود که فکر می‌کردم همه حزب‌اللهی هستند. وضع اقتصادی جامعه ایران را این‌قدر بد نشان دادند که تصمیم گرفتم یک جفت پوتین سربازی‌ام را به ارتش ایران هدیه کنم؛ بعداً دیدم مردم ایران از جهت اقتصادی بهتر از مردم روسیه زندگی می‌کنند.

ایران را دوست داریم چون مقابل آمریکا ایستاده است

الآن در مناطق ما به انقلاب اسلامی رغبت دارند چون انقلاب اسلامی ایران استکبارستیز است، یک زمانی روسیه در گرجستان بود، آمریکا گفته بود "از گرجستان برو بیرون" و روسیه هم گفت چشم، و بیرون رفت چون از آمریکا می‌ترسید، اما وقتی ایران مقابل آمریکا ایستاد، روسیه هم مقابل آمریکا ایستاد.

الکساندر دوگن یک متفکر و مشاور پوتین است و بارها به ایران آمده و اعلام کرده که "ما باید همراه با ایران مقابل لیبرالیسم غربی بایستیم". بی‌شک این از آثار انقلاب است. او

مسیحی است و شدیداً از مقاومت دفاع می‌کند. شخص دیگری که من با خودش و خانواده‌اش ملاقات داشتم ماکسیم شفشنکو می‌باشد که از متفکرین روسیه، غرب‌ستیز و اسرائیل‌ستیز است.

دوستی داشتم که روحانی مسیحی بود، می‌گفت "اگر جنگ بشود من حاضر در جبهه ایران بکنم". این بحث استکبارستیزی را دست‌کم نگیرید این‌ها از سروصدا می‌ترسند. حالا روسیه و آمریکا هم مقابل هم ایستاده‌اند، این از برکت انقلاب هست که مستکبران را با یکدیگر درگیر کرده است.

بیش از 250 نفر مؤمن و طلبه در زندان آذربایجان قبل از انقلاب مردم آذربایجان نسبت به دین بی‌تفاوت بودند اما الآن دو قسمت شدند، تفکیک شدند و عده‌ای از دینشان دفاع می‌کنند. اکنون ما بیش از 250 نفر مؤمن و طلبه در زندان آذربایجان داریم که با وجود شکنجه‌های طاقت‌فرسا حتی یک نفرشان هم عذرخواهی نکرده‌اند، حتی شهید هم دادیم ولی تا لحظه آخر گفتند «طاغوت را سرنگون می‌کنیم».

ستفایها از امام دفاع کردند

چند مرتبه که با استفایها در مسجد نشسته بودم یک فردی می‌آمد و به امام خمینی(ره) توهین می‌کرد. خیلی ناراحت می‌شدم. یک روز گفتم "این شخص که نسبت ناروا به امام(ره) می‌دهد، سندش چیست؟"، عجیب این‌که سلفی‌هایی که اطرافم نشسته بودند دفاع کردند و گفتند "نمی‌شود که هرچه می‌خواهد بگوید!" و به آن مرد طعنه زدند.

پیام انقلاب هنوز به ایران نرسیده!

به نظر من پیام انقلاب هنوز به خود ایران نرسیده است، باور کنید! این اعتقاد من است، آنچه را امام(ره) می‌خواست و حالا آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواهد؛ حتی بین مسئولین، بسیجی‌ها و بین حزب‌اللهی‌ها هم جا نیفتاده است. باید عاشق انقلاب باشیم، در درس خواندن و مجاهدت همه چیزمان را وقف کنیم، چون یک فرصت بی‌نظیری به دست ما آمده است. یک مقاله انگلیسی نوشته بود «اینها دوبار بیدار شدند، زمان حضرت محمد(ص) و الآن!» توجه داشته باشیم که نعمتی به دست ما رسیده و خدا نکند از دست ما برود.

خاطره‌ای تلخ از سفیر

سفیر قبلی در آذربایجان یک روز ما را جمع کرد و گفت "آقا، از شما سه چیز می‌خواهم؛ اول با حکومت آذربایجان کاری نداشته باشید، دوم با آمریکا و اسرائیل کاری نداشته باشید و سوم با همجنس‌بازی کاری نداشته باشید!" گفت "شما خیلی به حکومت‌تان بدبین هستید، رادیکال نباشید مثل امام سجاد(ع) کار نکنید با دعا و..."، البته با اعتراض بنده و دوستان مواجه شد و به‌جای او شخص دیگری جایگزین شد.

توصیه‌ام به برادران ایرانی این است که اگر می‌خواهند در یک کشور کار فرهنگی کنند حتماً باید فرهنگ شناسی درستی داشته باشند، من چند نمونه را در مورد شبکه سحر به مسئولین تذکر دادم. به‌نظم باید با جوانان و فرهنگیان آن کشور مشاوره داشته باشند. توصیه دیگر این است که از سروصدای استکبار نترسید چون اینها واقعاً هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند، دیگر اینکه باید مجدانه کار کنیم تا روز به روز انقلاب و ولایت فقیه مستحکم‌تر شود.